

استفاده از قدرت حکومت برای مداخله در کاری است که انسان‌ها انجام می‌دهند، نه به این دلیل که کار آن‌ها مانند سرقت یا تبعیض، فی‌نفسه کار نادرستی است، بلکه به این جهت که آن کار اثر و نتیجه‌ای به همراه دارد که منصفانه نیست.

کسانی هستند که به عقیده آن‌ها مالیات توزیعی کار درستی نیست، به این جهت که حکومت نباید در کار انسان‌ها دخالت کند مگر آنکه کار نادرستی انجام دهند. همه این نابرابری‌ها را که معاملات اقتصادی ایجاد می‌کنند نادرست نیستند، بلکه کاملاً بی‌ضررند. این دسته از افراد ممکن است بر این عقیده باشند که این نابرابری‌ها هیچ عیب و ایرادی ندارند، حتی اگر بدون استحقاق باشند و تقصیر قربانیان آن‌ها نباشد، جامعه مکلف به رفع آن‌ها نیست.

به گفته آن‌ها زندگی عادلانه همین است؛ بعضی از انسان‌ها خوشبخت‌تر از دیگران هستند. تنها وقتی که ما باید کاری در این خصوص انجام دهیم، آن موقعی است که این بدبختی نتیجه کار نادرست کسی در حق فرد دیگر باشد.

این موضوع، مسئله سیاسی مناقشه برانگیزی است. بعضی از انسان‌ها به نابرابری‌های ناشی از طبقه اجتماعی - اقتصادی که شخص در آن متولد می‌شود ایراد بیشتری وارد می‌کنند تا به نابرابری‌هایی که از اختلاف در استعداد حاصل می‌آید. این دسته از افراد آثار و نتایج حاصل از تولد یک شخص در محله اعیان‌نشین و تولد شخص دیگر در محله فقیرنشین را بر نمی‌تابند، اما اعتقاد دارند که شخص استحقاق آن چیزی را دارد که با سعی و تلاش خود می‌تواند به دست آورد به طوری که در رابطه با یک شخص با درآمد زیاد و شخص دیگر با درآمد کم هیچ چیز نامنصفانه‌ای وجود ندارد. چون شخص اول استعداد و قابلیت مورد نیاز بازار را برای یادگیری مهارت‌های پیچیده دارد، درحالی‌که شخص دوم کارهای ساده غیرفنی انجام می‌دهد.

نیگل معتقد است که نابرابری‌های ناشی از هرکدام از این دو علل نامنصفانه‌اند. ناعادلانه است وقتی که یک نظام اجتماعی - اقتصادی به این منتهی می‌شود که بعضی از انسان‌ها بدون اینکه تقصیری داشته باشند در وضعیت نامطلوب مادی و اجتماعی زندگی می‌کنند، به شرط اینکه از طریق نظام مالیات توزیعی و برنامه‌های رفاه اجتماعی بتوان جلوی این بی‌عدالتی را گرفت.

اما برای اینکه خود شما درباره این موضوع تصمیم بگیرید، باید درباره این مسئله تأمل کنید: کدام علل نابرابری را نامنصفانه می‌دانید و کدام راه علاج‌ها را موجه می‌دانید؟ ▶

تامس نیگل

یکی از مهم‌ترین

فیلسوفان سیاسی

زنده دنیا است که

در پنجاه سال

گذشته از مهم‌ترین

دغدغه‌های او

«مسئله نابرابری»

بوده است و از این

لحاظ جزو متفکران

برابری طلب

محسوب می‌شود.

به عقیده نیگل

برای پرداختن به

این مسئله، باید

دو پرسش را از هم

تمایز کرد: الف)

علل نابرابری‌ها

کدام‌اند و کدام نوع

از علل نابرابری‌ها

نادرست است؟ ب)

راه علاج نابرابری‌ها

چیست و کدام روش

مداخله در کاهش

نابرابری‌ها درست

است؟